



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوات  
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

۵

# نگارهای منقار



ممن بخزرائی استاد حسین انصاریان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نگاهی به مقام حضرت زینب (س)

نویسنده:

استاد حسین انصاریان

ناشر چاپی:

دارالعرفان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	نگاهی به مقام حضرت زینب (س)
۶	مشخصات کتاب
۶	سخن ناشر
۶	قانون وراثت و حضرت زینب (س)
۸	دانش زینب کبری (س)
۱۰	حماسه زینب کبری (س)
۱۱	حکومت الهی زینب کبری (س)
۱۲	پاورقی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## نگاهی به مقام حضرت زینب (س)

### مشخصات کتاب

سرشناسه: انصاریان حسین ۱۳۲۳ - عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به مقام حضرت زینب (س)/مؤلف حسین انصاریان. مشخصات نشر: قم دارالعرفان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: ۳۶ص. س.م. ۹×۵/۱۹ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۳۹-۲۸-۲ ۳۵۰۰ریال وضعیت فهرست نویسی: فیفا موضوع: زینب س بنت علی (ع)، ۶ - ۶۲ق رده بندی کنگره: BP۵۲/۲/ز ۹ ن ۷۶ ۱۳۸۸. رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۴ شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۴۸۲۳۳

### سخن ناشر

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی‌ها محفوظ می‌دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می‌شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جامه عمل به دستورات بلند ربانی می‌باشد. در این خصوص، دستیابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژه آن‌ها در حیات انسانی، ضروری احساس می‌شود. مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان، در راستای اهداف الهی خود، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمانه دانشمند محقق حضرت استاد حسین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی‌های معظم له، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی‌های استاد نیز تشنگان معارف سراسر نور ائمه اطهار: را بی‌نصیب نگذاشته و بدون خارج ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل‌الله: و سیراب گشتن از این چشمه پرفیض باز نموده است. امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از پیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدس سیراب گردیم. مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و الصلوة والسلام علی سید الانبیاء والمرسلین حبیب الهنا وطیب نفوسنا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین المعصومین المکرمین

### قانون وراثت و حضرت زینب (س)

از قانونی بحث می‌کنم که نزد دانشمندان به عنوان قانون وراثت شناخته می‌شود. بر اساس این قانون، اوصاف، خصال، طبیعتات و واقعیات پدران و مادران به وسیله یک سلسله عوامل و ابزار، به فرزندان آن‌ها منتقل می‌شود و هیچ انسانی هم از این قانون وراثت مستثنی نیست؛ نسل به نسل، همه انسان‌ها تحت تأثیر قانون وراثت هستند. دانشمندان امروز جهان، این عقیده را دارند که این خصال و اوصاف به وسیله عنصر بسیار پیچیده‌ای به نام «ژن»، به فرزندان منتقل می‌شود. از شگفتی‌ها است که پیغمبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) در چهارده قرن قبل، در ضمن یک حادثه جالب، به این حقیقت اشاره فرموده‌اند. زن و شوهر جوان سفیدپوستی وقتی که خداوند مهربان به آن‌ها فرزندی عنایت می‌کند، شوهر می‌بیند این فرزند، سیاه‌پوست است. با اعتماد و اطمینانی که او به همسرش داشت و او را زنی پاکدامن، با عفت و باتقوا می‌دانست، خیلی برایش شگفت آور بود که چرا فرزند آن‌ها سیاه‌چهره به دنیا آمده است. این شد که او فرزندش را به بغل گرفته و به مسجد می‌رود و به محضر رسول خدا (ص) مشرف شده و به ایشان عرض می‌کند، من سفیدپوستم و همسرم هم سفیدپوست است، ولی بچه‌مان سیاه‌چهره است. رسول خدا (ص) به او اطمینان صددرصد می‌دهد که این طفل از تو و از همسر تو است، اما در نطفه همه انسان‌ها یک عنصری هست به نام «عرق»، و بعد فرمودند: «هَذَا نَزْعَةُ عَرَقٍ» (این از جا برکندن ریشه و اصلی است). ای مرد! بدان یقیناً این «عرق» انتقال‌دهنده اوصاف، خصایل و

روحیات گذشتگان است به آیندگان ، و قطعاً در پدران گذشته تو ، یا در پدران گذشته همسرت ، یک مرد و یا یک زن ، سیاه پوست بوده و این «عرق» ، این سیاهی را از آن‌ها منتقل کرده است و از بچه تو این رنگ ظهور یافته و آشکار شده است . بنابراین ، نگران نباش و مطمئن باش و یقین داشته باش که این طفل ، طفل شماس است . (۱) این قانون وراثت می‌باشد که برای دانشمندان هم ثابت شده است . البته ، اگر آنها هم در این زمینه کشفی نداشتند ، برای ما مسلمان‌ها این مسأله ، مسأله ثابت شده‌ای بود ؛ چون علاوه بر روایات ما ، در آیات قرآن مجید هم اشاره به این معنا را داریم ؛ خداوند متعال درباره ذریه انبیای خود همین مطلب را تلویحاً بیان فرموده است : «ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ» (۲) : آنان در کرامت ، و در شرافت ، و در آقایی ، و در اخلاق ، و در اوصاف ، و در صفات ، وصل به یکدیگر و از یکدیگر بوده و یک حقیقت هستند . از ابراهیم (ع) اوصافش به اسماعیل (ع) منتقل شده و از اسماعیل (ع) نیز این اوصاف به نسلش انتقال یافته است ، و از نسلش ، به پیغمبر (ص) و ائمه طاهرين : منتقل شده است . در کتاب‌های لغت هم نوشتند ، عرقی که پیغمبر اکرم (ص) فرموده : «فَإِنَّ الْعَرَقَ دَسَّاسٌ» : ریشه و اصل ، در پنهانی و به نازکی و باریکی بسیار دخالت کننده است ، معنای آن این است که پدران و مادران ، اوصاف خود را به اولادشان انتقال می‌دهند . نتیجه سخن تا این جا ، این است که در یک مرحله ، باید از نظر قانون وراثت ، درباره وجود مبارک زینب کبری (س) بحث کرد و گفت ، زینب کبری (س) بر اساس این قانون ، جلوه ذخیره‌های عظیم معنوی چهار شخصیت است ؛ یعنی وجود مقدس او ، خورشیدی است که از افق گنجینه‌های شخصیتی چهار خزانه ارزش‌های پروردگار مهربان عالم ، طالع شده است . خزینه اول ، وجود مبارک امیرمؤمنان (ع) بوده و خزینه دوم ، وجود مبارک فاطمه (س) است که بنا بر تأویل ائمه طاهرين : که راسخان در علم هستند و تأویل قرآن پیش آن‌هاست : «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (۳) ، پروردگار عالم ، از وجود مبارک امیرمؤمنان (ع) و حضرت زهرا (س) ، به دو دریا تعبیر کرده است که لؤلؤ و مرجان از این دو دریا ظهور می‌کند : «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ . بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ . فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ . يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ» (۴) . امیرمؤمنان (ع) از دیدگاه خدا یک دریا است ، ولی دریایی است که اول دارد ، ولی آخر ندارد . فرق ایشان با خدا همین است که خدا اول ندارد و آخر هم ندارد . امیرمؤمنان (ع) اول دارد ، ولی پایان ندارد . در ارزش‌ها ، حضرت زهرا (س) هم اول دارد ، ولی پایان ندارد . در ارزش‌ها ، مجموعه عناصر شخصیتی امیرمؤمنان و حضرت زهرا (س) ، شخصیت زینب کبری (س) را تشکیل داده است ، و دو خزانه دیگر وجود مقدس حضرت زینب (س) هم یکی وجود مبارک رسول خداست که پدر مادر زینب کبری (س) می‌باشد ، و یکی هم خدیجه کبری (س) است که مادر مادر زینب کبری (س) می‌باشد . از سخن حضرت علی (ع) در خطبه ۱۹۲ نهج‌البلاغه برمی‌آید که حضرت خدیجه (س) اولین زنی است که اسلام آورده ، و در روایات چنین بیان شده که آن حضرت اولین زن در عالم است که در قیامت ، قدمش به بهشت می‌رسد (۵) . خدیجه کبری (ع) کسی است که پیغمبر اکرم (ع) تا آخر عمرشان نسبت به یاد او بی‌توجه نبودند و همیشه که صحبت از خدیجه کبری (س) می‌شد ، پیغمبر (ص) از او تعریف می‌کردند (۶) و در روایات ما آمده که هنگام مرگ خدیجه (س) ، جبرئیل (ع) نازل شد و رضایت خدا را از خدیجه کبری (س) به پیغمبر (ص) اعلام کرد . این مجموعه ارزش‌های وجود پیغمبر ، خدیجه ، امیرمؤمنان و فاطمه زهرا : ، یکجا در زینب کبری (س) طلوع کرده است . بر اساس قانون وراثت ، وقتی زینب به دنیا آمد ، فنداق مبارکش را که به دست رسول خدا (ص) دادند ، در اولین باری که پیغمبر (ص) به او نظر انداخت ، فرمودند : هر چشمی در این دنیا برای این دختر گریه کند ، ارزش گریه او ، مساوی با گریه بر حسن و حسین (ع) است ؛ یعنی یک قطره اشک برای زینب کبری (س) ، مساوی است با گریه کردن بر دو امام معصوم (ع) . نفرمودند ، ثواب گریه بر این دختر ، مساوی گریه بر ابا عبدالله (ع) است ، بلکه فرمودند گریه بر او ، مساوی است با گریه بر دو امام معصوم (ع) ؛ یعنی اگر در قیامت ، گریه بر حضرت مجتبی (ع) که درباره آن پیغمبر (ص) فرمود : هر کس برای حسن من گریه کند ، قیامت که همه چشم‌ها گریان است ، چشم او گریان نخواهد بود ، و گریه بر ابا عبدالله (ع) که سبب شفاعت ، رحمت و مغفرت است ، این

دو گریه را اگر در یک کفه ترازو بگذارند و گریه بر زینب کبری (س) را در یک کفه دیگر، با هم مساوی می‌شود.

## دانش زینب کبری (س)

اما درباره دانش زینب کبری (س)، امام (ع) درباره حضرت زهرا (س) و دانش آن حضرت یک نظر دارند، و وجود مبارک زین العابدین (ع) هم درباره عمه‌شان حضرت زینب کبری (س)، از نظر دانش و بینش، یک نظر دارند. امام باقر (ع) می‌فرماید: این که اسم مادر ما را «فاطمه» گذاشتند، بی‌علت، بی‌جهت، بی‌سبب و بی‌دلیل نبوده است. علت آن این است که پروردگار عالم در دنیای معنا به مادر ما خطاب کرده: «فَطَمَّتْكَ بِالْعِلْمِ» (۷). «فطم»؛ یعنی قطع کردن، جدا کردن. لغت «فطم»، به معنای بریدن است. معنای حدیث چنین می‌شود: فاطمه (س) را فاطمه می‌گویند، به علت این که خدا به او فرمود: من با پرکردن تو از علم خودم، تو را و قلبت را از علوم همه زمینیان بریدم و نگذاشتم تو در دانش و بینش، نیازمند علوم بشری بشوی. و دانش زهرا (س) دانشی الهی است. کنار بازار کوفه، وقتی زینب کبری (س) خطبه خواندند و حادثه کربلا را تحلیل کردند و مردم را به آن گناه بی‌ظنیشان آگاه کردند، زین العابدین (ع) کنار محمل عمه خود، خدا را شکر کردند و فرمودند: عمه جان! من پروردگار عالم را شکر می‌کنم و سپاسش را می‌گویم که الحمدلله تو تعلیم دیده بدون معلم بشری هستی، (۸) و این دریای دانشی که در وجود تو موج می‌زند، مستقیماً الهی و خدایی است، همان‌طوری که خداوند از دانش بیکرانش در قلب مادرش زهرا (س) قرار داد، از دانش بیکرانش در قلب مطهر زینب کبری (س) قرار داد و این سابقه هم داشت، نه این که اولین بار بوده است. این که عنایت خدا بر یک انسان، کامل جلوه کند، ما در قرآن مجید درباره دو نفر صریحاً می‌بینیم که خداوند متعال در ایام کودکی آنها، دانش خود را در ظرف قلب آنان ریخته است: یکی مسیح که در متن قرآن است که در گهواره، در روز اول تولد، به یهودیانی که به مادرش مریم (س) گفتند: «هَيَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأًا سَوْءًا وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعِيًّا» (۹): مریم! پدرت که آدم بدی نبود و مادرت که زن پاکدامنی بود، شما هم که شوهر نکرديد، پس این بچه را از کجا آوردی؟ مریم (س) اشاره به گهواره کرد. آن جمع یهودی گفتند: «كَيْفَ نَكَلِّمُ مَنْ كَذَّبَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا» (۱۰): شما اشاره به گهواره می‌کنید، بچه یکروزه که حرف نمی‌زند که از میان گهواره صدا بلند شد: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» (۱۱). خود کتاب، علم است. پروردگار عالم کراراً در قرآن مجید از تورات، انجیل و قرآن تعبیر به علم کرده است: «مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ» (۱۲). همه تورات را قرآن می‌گوید، علم. همه انجیل را می‌گوید، علم: «آتَانِي الْكِتَابَ»: خدا علم به من داده، «وَجَعَلَنِي نَبِيًّا»: و مقام نبوت را به من داده است. مقام نبوت که همراه با تاریکی، ظلمت و جهل که نیست؛ علم است؛ علم خدایی که بچه یکروزه در گهواره را؛ چنان که قرآن می‌گوید، خزانه علم قرار می‌دهد. همان خدا بدون معلم بشری، زینب کبری (س) را خزانه علم بشری قرار می‌دهد. چنان که گفتیم، بنا به نقل قرآن کریم، این کار یک بار برای حضرت مسیح (ع) اتفاق افتاده است. یا درباره یحیی (ع) می‌فرماید: «وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا» (۱۳): ما مقام نبوت و حکمت را در حالی که یحیی (ع) بچه سه و چهار ساله بود، به او عنایت کردیم. این متن قرآن است. پس این بار دوم است که این اتفاق به وسیله خدا افتاده است. چه مانعی دارد که همین اتفاق برای حضرت زهرا (س) هم افتاده باشد؟ چه مانعی دارد که همین ماجرا برای زینب کبری (س) هم اتفاق افتاده باشد؟ این اتفاق، نشانگر کمال آنهاست؛ نشانگر عظمت روحی آنهاست. نشانگر ارزش‌های انتقال یافته از امیرمؤمنان، حضرت زهرا، پیغمبر و خدیجه کبری: در وجود مبارک اوست. قلب به پروردگار اتصال داشته و از طریق این اتصال، علم خداوند در این خزانه با عظمت سرازیر شده است. او این علم را حبس نکرد؛ چرا که اهل بیت: طبق آیات قرآن، در همه امور اهل انفاق بودند: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى. وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى. فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» (۱۴). «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى»، چه چیزی را بخشش کرد؟ مال، آبرو، قدرت، دانش، شخصیت، زبان، قلم و قدم در تمام نعمت‌هایی که خداوند به اهل بیت: عنایت کرده بود، آنها اهل انفاق بودند. در هیچ زمینه‌ای در وجود اهل بیت: بخل وجود نداشت. زینب



کبری (س) در دورهٔ عمرش سه کلاس تشکیل داد، ولی با کمال تأسف از این سه کلاس، چیزی باقی نمانده است. حیف از آن کلاس‌ها و حیف از بی‌توجهی شاگردان آن کلاس‌ها. یکی از این کلاس‌ها که زینب کبری (س) مخصوص خانم‌ها تشکیل دادند، کلاس تفسیر قرآن بود، و ای کاش! بخشی از تفسیری که زینب کبری (س) فرموده بود، به دست ما رسیده بود تا به وسیلهٔ زینب کبری (س) ما با عمق آیات قرآن آشنا می‌شدیم. لغت «تفسیر»، به معنای پرده‌برداری است. زینب کبری (س) به عنوان تفسیر قرآن، پرده از آیات قرآن برداشتند و عمق آن‌ها را برای مردم بیان کردند. این انسان عالم، این انسان بصیر، این انسان با بینش، شاید نزدیک چهل سال برای زنان مدینه و کوفه قرآن گفت؛ حقایق قرآن را بیان کرد؛ تفسیر آیات را بیان نمود، ولی آن‌ها را نوشت. چیزی از این تفسیر باقی نمانده است. این توصیف یک کلاس او بود. قرآن در خانه آن‌ها نازل شده و کسی مانند آن‌ها، عمق قرآن مجید را نمی‌داند. او فرزند پدری بود که اهل تسنن در کتاب بسیار با ارزش *ینابیع المودهٔ خودشان\** نقل می‌کنند که ابن عباس می‌فرماید، من پیش امیرمؤمنان (ع) تفسیر قرآن می‌خواندم، امیرالمؤمنین (ع) به من فرمود: پسر عباس! اگر من آنچه در هفت آیهٔ سوره حمد است، از «ب» «بِسْمِ اللَّهِ» تا «وَلَا الضَّالِّينَ» را برای شما بگویم و شما هم گفته‌های من را بنویسید، و بعد از این که من پایان کلاس را اعلام بکنم، هفتاد شتر جوان را باید بیاورید تا این نوشته‌ها را بار کنید تا بتوانید آن‌ها را با خود ببرید. (۱۵)

زینب کبری (س) دختر یک چنین مفسر قرآنی است. بنابراین، معلوم است از قرآن چه چیزی پیش زینب کبری (س) بود. این توصیف یک کلاس زینب کبری (س) است. کلاس دیگری که وجود مقدس زینب کبری (س) داشتند، کلاس فقه بود. فقه دریای وسیعی است. یک طلبهٔ ما در قم، وقتی فقیه کامل و مدرّس فقه می‌شود که هشتاد و چهار باب فقهی را در هشتاد و چهار عنوان کتاب فقهی به صورت اجتهادی در سی سال شب و روز بخواند، ولی همهٔ این دریای فقه، پیش زینب کبری (س) بود که اگر گفته‌های ایشان را در این کلاس ثبت کرده بودند، باور کنید در مسایل فقهی، هشتاد درصد کار مراجع ما، با گفته‌های زینب کبری (س) آسان شده بود؛ چرا که او خودش چشمهٔ صافی برای فقه بود، اما مراجع ما الآن کنار چشمهٔ گل آلود هستند. اگر این بزرگوران بخواهند در مسایلی از فقه در روایات غور و بررسی کنند و فتوا بدهند، ممکن است ده تا روایت ساختگی در آن روایات باشد، و وجود چنین امکانی، بخش روایات را گل آلود کرده است. حالا مراجع ما باید بنشینند و این روایات را ارزیابی کنند و بر اساس روایت صحیح، به میلیون‌ها نفر شیعه فتوا بدهند؛ برای همین برای به دست آوردن روایت صحیح در این چشمهٔ گل آلود، گروهی آمدند و روایات را تقسیم‌بندی کردند؛ اخبار و احادیث را تقسیم‌بندی کردند؛ خبر متواتر، خبر صحیح، خبر حسن، خبر مسلسل، خبر مسند، خبر مرسل، خبر ضعیف، خبر موثق، خبر مجهول. در مجموعهٔ این اخبار، این تقسیم‌بندی نیز وجود دارد: خبر عامی، خبر خاصی (امامی)، خبر مطلق، خبر مقید، خبر مخصّص، خبر ناسخ. یک مرجع چقدر باید زحمت بکشد که از میان این چشمه، یا به یک خبر متواتر، یا به یک صحیح، دست پیدا کند و بعد، بر اساس آن فتوا بدهد. روشنفکرها خیال می‌کنند، فتوا دادن کار خیلی ساده‌ای است، می‌گویند، خودمان می‌بینیم و می‌گوییم. من می‌گویم: شما چه چیزی را می‌بینید و می‌گویید. دیدن شما دیدنی علمی نبوده و گفتنتان هم گفتن حق نیست. آخر شما چه چیزی را می‌بینید و چه چیزی را می‌گویید؟ اگر به شما یک کتاب حدیث بدهند، هیچ تخصصی در شناخت احادیث آن ندارید. شما چه شناختی دارید؟ برای شناخت یک روایت، حداقل مانند آیت الله العظمی بروجردی (ره) باید دربارهٔ چهارده هزار راوی شناخت داشته باشید. شما دربارهٔ دو نفر از آن‌ها هم شناخت ندارید. این مرد در هشتاد و هشت سالگی، چهارده هزار راوی حدیث را که در کتاب‌ها دسته‌بندی کرده بود، در ذهن داشت و همهٔ این راویان را می‌شناخت که روایت کدام‌ها قابل قبول است، و کدام‌ها مورد اعتماد هستند و کدام‌ها قابل رد هستند، و کدام‌ها مجهولند. کدام‌ها غیرثقه هستند. کدام‌ها ثقه هستند. کدام‌ها مطمئن هستند. شما چه می‌دانید این حرف‌ها را و این که چگونه باید در مورد یک راوی ارزیابی بشود. دین را باید عالم ربانی به مردم بدهد، نه یک روشنفکری که از فرهنگ اروپایی ارتزاق کرده، نه روشنفکری که در آمریکا تربیت شده است. دین را باید تربیت شدهٔ قم، مشهد

و نجف به مردم بدهد. چنان که گفته شد، حضرت زینب (س) فقه می‌گفت و خودش چشمه زلال این علم بود. کلاس دیگرشان هم کلاس اخلاق بود؛ کلاس تربیت نفوس، کلاس تزکیه نفوس، به تعبیری کلاس آدم‌سازی. با توجه به این که وجود مقدس خودشان، مجسمه کامل اخلاق بودند. برایم خیلی مهم بود که در سوریه، در یکی از کتابخانه‌های آن جا، این قسمت از زندگی ایشان را در کتابی که در شرح حال زینب کبری (س) بود، دیدم. در تحلیلی که در یک بخش این کتاب آمده بود، راجع به دانش، بصیرت و علم زینب کبری (س) بحث می‌کرد که به نظر من مطالب مهم و ارزنده‌ای داشت.

### حماسه زینب کبری (س)

امّا در باره برخورد ایشان با حادثه کربلا، خیلی ساده و آسان می‌گویم که برخورد زینب کبری (س) در این رابطه، برخوردی صابرا نه بوده است. اما این صبر در زینب کبری (س) چگونه بوده؟ او سخت‌ترین، سنگین‌ترین، دردناک‌ترین و رنج‌آورترین حادثه تاریخ را دیده است. آن هفتاد و دو نفر که از دنیا بریده و شهید شدند و به خدا پیوستند، تمام سنگینی بار این حادثه روی دوش زینب کبری (س) آمد، به انضمام این که از طرف برادر مأمور شد، هشتاد و چهار داغ‌دیده را از کربلا تا شام و از شام تا مدینه سرپرستی کند، این همه مصیبت‌ها را زینب (س) تحمل کرد، و با مدیریت مدبرانه‌اش پیام شهدای کربلا را به گوش همگان رسانید. آن حضرت (س) با این حادثه، برخوردی الهی کرد و از زمان وقوع این حادثه تا روز وفاتش، برای یک بار، به خاطر حادثه کربلا نفسی که بوی گلایه و شکایت از خدا را بدهد، از دل نکشید؛ بلکه کنار حادثه تلخی به این وسعت، شاکر بود. چه کسی این تحمّل را داشت کنار چنین حادثه‌ای بنده شاکر پروردگار باشد. ابن‌زیاد وقتی دربار گاهش به مسخره به زینب کبری (س) گفت، رفتار خداوند را نسبت به اهل بیت چگونه دیدی؟ یعنی دیدی که خداوند ما را پیروز کرد و شما قطعه قطعه و متلاشی شدید. جواب داد: «وَمَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً.» (۱۶): جز رفتاری زیبا و نیک از خداوند ندیدم؛ یعنی خداوند امامت را با شهادت در هم آمیخت و بالاترین زیبایی را درست کرد؛ چنان که با این آمیزش، برای ما چهره‌ای زیباتر از یوسف (ع) را به وجود آورد. در روز یازدهم با چه تحمّل مثبتی و با چه صبر ملکوتی و عرشی آمد و دو دست مبارکش را زیر بدن قطعه‌قطعه شده ابا عبدالله (ع) برد و با یک دنیا ادب به سمت آسمان برگشت و به پروردگار گفت: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلَ الْقُرْبَانَ.» : خدایا! این اندک را به عنوان قربانی که اصلاً تناسبی با عظمت خدایی تو ندارد، از ما قبول کن. (۱۷) ما یک چیزی می‌گوییم و یک چیزی را می‌شنویم که اگر یک میلیونم آن بر سر خودمان بیاید، آن وقت باید ببینیم چه کاره هستیم؟ در این موقعیت، عبادت و صبر در ایشان جمع شده بود. امام صادق (ع) این موقعیت را چنین توصیف می‌کند: عمه جان! عصر عاشورا تمام فرشتگان خدا از مقاومت، صبر و ایستادگی تو شگفت‌زده شدند؛ یعنی نتوانستند هضم بکنند که انسان هم این قدر عظیم است. به خدا قسم! راحت می‌توانم بگویم آن زمانی که خدا به ملائکه خبر داد: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً.» (۱۸) ملائکه برگشتند و گفتند: «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ» (۱۹). خدا به آنها فرمود: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (۲۰): من از آفرینش این انسان چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید، و آنان نمی‌دانستند. تا عصر عاشورا که خدا برگشت به ملائکه گفت: زینب (س) را ببینید، من این را می‌خواستم خلق کنم: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (۲۱). چند میلیون سال قبل هم حالا برای شما روشن شد که خلیفه یعنی چی؟ انسان یعنی چی؟ که یک خانمی که دنیای عاطفه و رأفت قلب است، در یک نصف روز، هفتاد و دو نفر را جلوی چشمان او سر ببرند و قطعه قطعه کنند و بعد بیاید کنار این بدن‌های پاره پاره بنشیند و بگوید: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلَ.» این است، «أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ». به خدا قسم! شب یازدهم، برای آن حضرت، یک ذره از کیفیت عبادتش با شب‌های مدینه فرق نکرد. این شب هم سکینه کبری (س) می‌گوید، عمه‌ام کنار آن خاک‌های بیابان، سحر مشغول نماز شب و مناجات بود؛ یعنی با بودن این حادثه، از پروردگار کمال رضایت را داشت.

## حکومت الهی زینب کبری (س)

اما راجع به سرپرستی او باید گفت، شما می‌دانید که اهل بیت: را از چه مسیری به شام بردند. آن دژخیمان اهل بیت: را از مسیر طبیعی عراق به شام نبردند؛ بلکه آنان اهل بیت: را در حالی که جلوی محمل‌ها ۱۸ سر بریده را بر بالای نیزه‌ها زده بودند، از منطقه موصل و حدود کرکوک، مرز روم شرقی، ترکیه آن زمان، به دمشق بردند؛ یعنی از مناطق کردنشین و ترک‌نشین که آن وقت این ترک‌ها و کردها اغلب مسیحی بودند. بعد در این شهرها اعلام می‌کردند و به خاطر یزید، این اکراد و این اتراک مسیحی بیرون می‌ریختند و سرود می‌خواندند؛ پایکوبی می‌کردند؛ به زن و بچه داغ‌دیده سنگ می‌زدند چوب پرت می‌کردند. این‌ها را تا دمشق این گونه بردند. هر جایی هم که آن‌ها را پیاده می‌کردند، خود لشکر یزید آشپزخانه مفصلی بر پا می‌نمود. اما اهل بیت: به یک ذره نان خشک قناعت می‌کردند و سختی را تحمل می‌نمودند. تا این که به شام رسیدند. یزید سؤال می‌کند، این‌ها از کربلا تا این جا چه عکس‌العملی داشتند؟ در پاسخش گفتند: دو عکس‌العمل داشتند. یکی این بود که به ما جز آقایی و کرامت نشان ندادند و از کربلا تا شام، نه بچه دو و سه ساله آنها، و نه زن شصت و هفتاد ساله آنان، و نه این جوان بیمار آن‌ها، یک تقاضا هم از ما نکردند و ما را از سگ کمتر حساب کردند. این یک عکس‌العمل. عکس‌العمل دوم آنها هم این بود که با این سختی راه، گرسنگی و تشنگی هر جا آن‌ها را پیاده کردیم، یا مشغول به خواندن قرآن شدند، یا عبادت کردند، یا صورت روی خاک گذاشتند و به مناجات برخاستند. این حکومت زینب کبری (س)، در یک ملت هشتاد و چهار نفر است. اگر حکومت، حکومتی الهی باشد، از حکمرانانش، چیزی جز آقامنشی و بندگی خدا، برای مردم ظهور نمی‌کند. اگر حکومت، این حکومت نباشد. البته، باید این همه فساد رواج سیل‌وار پیدا کند. اما چنان زیبا زینب کبری (ع) بر این ملت الهی هشتاد و چهار نفره حکومت کرد که این ملت دشمن را از سگ، کم‌تر حساب کردند و لحظه‌ای هم از عبادت خدا غافل نشدند. ما زمان شاه وقتی می‌خواستیم به حکومت انتقاد کنیم، اسم شاه را که نمی‌بردیم و به جای اسم شاه، اسم معاویه، یزید، ابوبکر، عثمان و این‌ها را می‌بردیم. ساواکی‌ها پای منبر می‌فهمیدند ما چه داریم می‌گوییم. ما که کنایه می‌زدیم، روز بعد به در خانه ما می‌آمدند که ساواک شما را خواسته است، یا چهار روز بعد می‌آمدند در خانه ما چشممان را می‌بستند و می‌بردند و به زندان می‌انداختند. در طول عمرمان خود شاه را هم ندیدیم، و اگر رو در رو او را می‌دیدیم، معلوم نبود بتوانیم از او انتقاد کنیم. قدرت یزید هزار برابر قدرت شاه بود. وسعت کشورش هم بیست برابر وسعت ایران امروز، پهناوری داشت. حالا در بارگاه یزید، خانمی داغ‌دیده و اسیر را آوردند و با این قدرت عظیم آن روز رو به رو کردند. زینب کبری (س) از جا بلند شد و به شاه گفت، به شاهی که صد برابر شاه کشور ما قدرت داشت: «یا بنی‌الطلاق» (۲۲): ای فرزند بردگان و غلامان آزاد شده! پسر مردمان پست! پسر مردمان لعین! پسر مردمانی که بچه‌هایتان انتساب درستی نداشتند و نمی‌شد گفت که مادرشان این است و پدرشان این! تو از چنین خانواده‌ای هستی. ای نسل نامعلوم! «یا بنی‌الطلاق!»: فرزند غلامان آزاد شده! پسر مردمان پست! آنچه نقشه داری به کار بگیر و هر اسبی داری بنازان، اما من اسیر، مطلبی را از آینده عالم به تو بگویم. یزید! هر چند هفتاد و دو نفر ما را در کربلا قطع‌قطع کردی و نگذاشتی بدن‌هایشان را دفن کنیم، در آینده، این بیابان تبدیل به یک شهری به نام کربلا می‌شود. برای برادرم گنبد و بارگاه و حرم برپا می‌گردد. دل‌های مردم از همه عالم متوجه حرم حسین (ع) ما می‌شود و به آن جا می‌آیند و از خاک قبر حسین (ع) من، برای شفای بیماران و ساختن مهر نماز بر می‌دارند. در آینده، لعنت مردم دنیا متوجه شما می‌شود؛ یعنی زینب کبری (س) یزید را از غیب خبر داد. یزید مات زده بود و نمی‌توانست به میرغضب بگوید، گردن این زن را بزن. چون حرف‌هایی که زینب کبری (س) زد، برای خودش هم ایجاد مصونیت کرد. اصلاً شام را به هم می‌ریخت. یزید دید نمی‌تواند زینب کبری (س) را اعدام بکند. این شرابخور سگ‌باز میمون‌باز متکبر که از برخورد زینب کبری (س) سخت شکست خورده بود، می‌دانید چگونه تلافی کرد؟ جلوی چشم خواهر، دست برد و چوب خیزران خود را برداشت و به لب و دندان سر بریده حمله کرد. این بچه‌های کوچک دامن عمه را

گرفتند و همه فریاد زدند: وامحماً وعلیاً. کاری زینب کبری (س) کرد که در تمام حادثه کربلا نکرد. وقتی دید یزید با چوب به لب و دندان سربریده حمله می‌کند، زیر چادر عصمت دست برد و گریانش را پاره کرد. خیزرانی که یزید بر آن لب می‌زد، بر دل زینب (س)، بیشتر فرو می‌کرد.

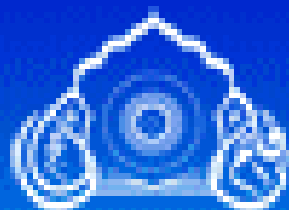
## پاورقی

۱. صحیح بخاری، ج ۸، ص ۳۱. ۲. آل عمران: ۳۴. ۳. آل عمران: ۷. ۴. رحمن: ۱۹ - ۲۲. ۵. قندوزی، ینابیع الموده ذوی القربی، ج ۱، ص ۴۶۹. ۶. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۳. ۷. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶۰. ۸. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۱. ۹. مریم: ۲۸. ۱۰. مریم: ۲۹. ۱۱. مریم: ۳۰. ۱۲. آل عمران: ۱۹. ۱۳. مریم: ۱۲. ۱۴. لیل: ۵-۷. \* این کتاب، کتابی واقعاً با ارزش است که اخیراً توسط انتشارات اسوه در سه جلد به طبع رسیده است. ۱۵. ینابیع الموده، ج ۱، ص ۲۰۵. ۱۶. ابن نما حلی، مثير الاحزان، ص ۷۱. ۱۷. شیخ محمد مهدی حائری، شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۹۴. ۱۸. بقره: ۳۰. ۱۹. همان. ۲۰. همان. ۲۱. همان. ۲۲. ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۲۲.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات

نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای (و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) (خط ۲۳۵۰۵۲۴) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۱۸۰-۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

